

## کمینه گرایی در خرده حکایت های کشف المحجوب

زهرا صالح نژاد<sup>۱</sup>

نویسنده مسئول:  
زهرا صالح نژاد

### چکیده

مینیمالیسم یا کمینه گرایی سبکی ادبی است که بر اساس اختصار و کم کردن محتوا در اثر به وجود آمده است. با رواج این سبک و جنبش ادبی در حوزه‌ی ادبیات، داستان‌های کوتاه یا داستانک‌ها به وجود آمدند. داستان‌های کوتاهی که نویسنده‌گان آن‌ها با استفاده از ساده نویسی و شیوه‌های گفتگو یا نقل و روایت و جمله‌های کوتاه، آثاری به یاد ماندنی را آفریده‌اند. در زبان و ادبیات فارسی جدای از آثار جدید و معاصر، آثار کهن بسیاری وجود دارد که می‌توان آن‌ها بر اساس مختصات و ویژگی‌های سبک کمینه گرایی بررسی کرد. یکی از این آثار مهم کتاب ارزشمند کشف المحجوب است که حکایت‌های گوناگون و داستانک‌های زیبایی آن را آراسته است و می‌توان این حکایت‌ها را نمونه‌هایی از سبک مینیمالیسم یا کمینه گرایی در تاریخ زبان فارسی دانستم.

**کلمات کلیدی:** کمینه گرایی، کشف المحجوب، حکایت، ایجاز، مینیمالیسم.

**مقدمه**

داستان های کوتاه یا حکایت های عارفانه تقریباً در تمام متون عرفانی چه نظم و چه نثر دیده می شوند و در بسیاری از این داستان ها می توان عناصر اصلی داستان را مشاهده کرد. استفاده از داستان کوتاه یا حکایت یکی از روش های آموزش مفاهیم و اصول عرفان و تصوف به مخاطبان بوده است. از میان متون کهن عرفانی زبان فارسی کشف المحبوب هجویری در این پژوهش از نظر سبک داستان های کوتاه یا حکایت ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کتاب کشف المحبوب در ادبیات عرفانی زبان فارسی نقش مهمی داشته است اما با وجود این تحقیق های اندکی در ارتباط با این کتاب انجام شده است. حکایت ها کتاب هجویری آموزش ها و دیدگاههای نویسنده را بیان می کند این حکایت ها از نوع تعلیمی است. از ویژگی های حکایت ها در کتاب کشف المحبوب می توان به کوتاهی ، سادگی و ایجاز اشاره کرد که این ویژگی ها از عناصر اصلی در سبک کمینه گرایی یا مینیمالیسم است. یکی دیگر از دلایلی که می توان حکایت های کشف المحبوب را بر اساس این سبک معاصر بررسی کرد انتخاب برشی از موقعیت یا حادثه ای است که برای قهرمان پیش آمده و بر خواننده تأثیر می گذارد. لحظه های حاصل از کشف و شهود در مرکز این حکایت ها قرار گرفته و داستان یا حکایتی خلق می شود.

**پیشینه تحقیق**

پیرامون کشف المحبوب نادر ابراهیمی در کتاب «صوفیانه ها و عارفانه ها» از پنجاه حکایت کشف المحبوب استفاده کرده است در این کتاب حکایت ها از جنبه های مختلفی چون جامعه شناسی ، تاریخی ، اخلاقی و ... بررسی می شوند. در مقاله ای از سید اسماعیل قافله باشی با عنوان «تقد ریخت شناسی حکایت های کشف المحبوب و تذکره الاولیا» حکایت های کشف المحبوب براساس روش پراپ مورد تحلیل قرار گرفته اند.

**کشف المحبوب و هجویری**

کشف المحبوب از کهن ترین متون تصوف است که در اوایل قرن پنجم هجری به وسیله ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری به رشتہ تحریر درآمد. «کشف المحبوب» کتابی است تعلیمی در تصوف از علی بن عثمان هجویری از قرائی ایدون استنباط می شود که نوشن کتاب پیش از ۴۶۵ قمری آغاز شده است و پس از ۴۶۹ به پایان رسیده است» (هجویری، ۱۳۸۳: ۴۱).

هجویری در روزهای پادشاهی سلطان محمود غزنوی به دنیا آمد و علوم رایج در زمان خود همچون قرآن ، حدیث ، تفسیر ، فقه و کلام را در زادگاه خود آموخت. محمد تقی بهار در این باره می گوید : «این کتاب از حیث سبک بالاتر و اصیل تر و به دوره اول نزدیک تر است تا سایر کتب صوفیه و می توان آن را یکی از کتب طراز اول شمرد که هر چند در قرن پنجم تألیف شده و بیش از کتب قدیم دستخوش تازی و لغتهای آن زبان است اما باز نمونه سبک قدیم را از دست نداده و روی هم رفته دارای سبک کهنه است» (بهار، ۱۳۴۹: ۱۸۷).

کتاب کشف المحبوب شامل سه بخش است که بخش اول مقدمه مؤلف در علت تأییف کتاب ، بخش دوم اطلاعات کلی در باب تصوف و ترجمه احوال صوفیان معروف تا زمان نوشن کتاب و بخش سوم که قسمت اصلی کتاب است شامل بحث و بررسی مسایل مختلف تصوف است. از زندگی هجویری مؤلف کتاب کشف المحبوب اطلاع چندانی در دست نیست و آنچه از زندگی او می دانیم همان است که خود در کتابش آورده است. مذهب وی حنفی است و در رعایت شریعت و اعمال دینی طبق قواعد این مذهب اصرار دارد. در بخش اول کتاب کشف المحبوب همانگونه که اورده شد مطالبی در مورد وضع کتاب در جامعه و سرقت ادبی مطرح شده است. نویسنده در مقدمه ابتداء در چند سطر نام خود و استخاره برای تأییف کتاب را آورده و سپس به شرح این مسایل پرداخته است.

در بخش دوم کتاب اطلاعات کلی درباره تصوف و شرح حال صوفیان معروف آمده است این قسمت شش باب دارد. درباره مسایل مقدماتی تصوف چون معنای علم ، فقر و تصوف و آداب خرقه پوشیدن و بحث درباره ملامتگری آورده است. در بخش سوم که بخش اصلی کتاب است یازده حجاب صوفیان کشف شده است. حجاب هایی مانند خداشناسی ، توحید ، ایمان ، طهارت و ... به تفصیل مژروح داده شده اند.

**سبک ادبی مینیمالیسم یا کمینه گرایی**

کمینه گرایی یا مینیمالیسم یک مکتب هنری است که اساس آن کاهش مفرط محتوای اثر به حداقل عناصر ضروری است این مکتب بعد از جنگ جهانی دوم در هنر غربی به رسمیت شناخته شد. مینیمالیسم در مدرنیسم ریشه دارد مینیمالیسم در ایالات متحده به سرعت تبدیل به یک جنبش هنری شد که بیشتر با خلق آثار سه بعدی همراه بود. کمینه گراییدر ادبیات سبک یا اصلی ادبی است که بر پایه فشردگی و ایجاز بیش از حد محتوای اثر بنا شده است.

مینیمالیست ها در فشردگی و ایجاز تا آنجا پیش می روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاهترین شکل باقی بماند. به همین دلیل کم حرفی از مشخص ترین ویژگی های این آثار است. پیامد این جنبش هنری رواج داستان بسیار کوتاه با دو ویژگی کم حجمی و سادگی است. نویسنده‌گان این سبک با حفظ اصول داستان با حذف مقدمه، به کارگیری مضامین جذاب و شکل دادن به داستان بر پایه نقل، گفتگو و روایت واژه‌های ساده، جمله‌های کوتاه سعی کرده اند داستان های ماندگار بیافرینند.

نویسنده‌گان این سبک عقیده دارند که صرفه جویی در کلام و کوتاه نویسی، موجب زیبایی می‌شود و بر تأثیر کلام می‌افزاید به عبارت دیگر طرفداران این سبک معتقدند که ایجاز و سادگی دو ویژگی زیبایی شناسانه است. مینیمالیسم را در فارسی معادل (خُرد گرایی و حداقل گرایی) دانسته اند به عقیده پیروان این مکتب «می‌توان در عرصه ادبیات با حفظ اصول ساختاری و فیزیکی قصه با کمترین میزان گفتگو، با زبانی ساده داستانی شگرف آفرید» (گوهرين، ۱۳۷۷: ۱۸). به نظر آنان سادگی و کم حجمی اصلیترین ویژگی این سبک است.

**عناصر و ویژگی های کمینه گرایی در حکایت های کشف المحبوب**

کتاب کشف المحبوب را می‌توان کتابی ساده و روان دانست که با موضوع تعلیم نوشته شده است. با توجه به ذات تعلیمی کتاب نویسنده از حکایت های گوناگون برای تفہیم بهتر مطالب خود سود جسته است. حکایت ها و طرز بیان آن در کشف المحبوب با هدف پندآموزی، آسان سازی دریافت مفاهیم عرفانی، معرفی شخصیت های بزرگ عرفانی آورده شده اند. در این حکایت ها دو عنصر یعنی توالی زمان و رابطه علی و معلولی بین حوادث پیرنگ را به وجود می‌آورد. شیوه روایتگری در حکایت های کشف المحبوب را می‌توان این گونه برشمود:

- گزینش لحظه های خاص از یک حادثه و روایت برشی از آن لحظه
- تمایل به انسجام و کوتاهی حکایت
- استفاده از زبان ساده در حکایتها و پرهیز از عبارت پردازی
- کمی تعداد شخصیت ها
- انتخاب طرح ساده برای حکایتها
- بیان روای حکایتها
- زاویه دید ثابت

و این ویژگی ها را می‌توان در آثار کمینه گرایی‌معاصر نیز جستجو کرد به نوعی می‌توان این ویژگیها را خصوصیات یک اثر کمینه گرا دانست اکنون این عناصر را در حکایتهای کشف المحبوب بررسی می‌کنیم:

**گزینش لحظه های خاص از یک حادثه**

صحنه در اصطلاح داستان نویسی عبارت از «زمان و مکانی است که عمل داستانی در آن اتفاق می‌افتد و کاربرد درست آن بر باورپذیری داستان می‌افزاید» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۴۴۹). در حکایت های کشف المحبوب به زمان و مکان اشاره ای نشده است ولی در تعدادی از حکایت ها بیان زمان و مکان از اهمیت زیادی برخوردار است. کاربرد شکلهای مختلف زمان و مکان در حکایتهای کشف المحبوب با محتوای آنها ارتباط دارد.

پرهیز از تکرار رویدادها یکی دیگر از شگردهای هجویری برای کوتاه کردن حکایتها است. مکان وقوع حوادث در حکایتها محدود است و اتفاق های داستان در مکان های معین و محدودی رخ می‌دهد. توصیف مکانها از جمله شهر، ده، مسجد، رود، دریا و ... به صورت کلی است و در بیشتر موارد به ذکر نام آن مکان ها بسنده می‌کند. مثلاً: «روزی اندر جویبار حیره نیشاپور می‌رفتم» (هجویری، ۱۳۸۳: ۲۷۸).

در بساری از حکایتها هجویری مانند کمینه گرایان معاصر رویدادهایی را که همزمان با رویداد اصلی اتفاق افتاده در لابلای حکایت نمی گنجاند و توضیح اضافه ای نمی دهد.

### تمایل به انسجام و کوتاهی

ایجاز یکی از مهم ترین و اصلی ترین خصوصیات یک داستان کمینه گرایست «ایجاز آن است که گوینده و نویسنده آنچه را که در ضمیر اوست و قصد تفہیم آن را دارد در عبارتی کوتاه و با الفاظی اندک ، با رعایت فصاحت و بلاغت چنان بپرورد که تمام مقصود او را برساند. کلام موجز آن است که از زاوید ، پیراسته باشد» (همایی، ۱۳۵۴ : ۱۴۳).

کوتاهی حکایت های کشف المحبوب مضمون و مفهوم انها را آسان تر می کند. حکایت های این کتاب را می توان به خاطر ویژگی هایی مثل کوتاهی و ایجاز در ردیف داستان های کمینه گرا دانست حکایت های کشف المحبوب بسیار شبیه به داستان های کوتاه امروزی است در این حکایت ها تعداد وقایع اندک است و تمرکز بر واقعه اصلی است که این واقعه اصلی معمولاً لحظه خاص از زندگی یک شخصیت است ؛ گاهی حکایت ها قبل از گسترش یافتن پایان می یابند مانند: «حکایت خشک ماندن جامه شیخ در باران» (هجویری، ۱۳۸۳ : ۳۵۰).

حکایت های کشف المحبوب معمولاً بدون مقدمه آغاز می شوند و در نقطه اوج به پایان می رستند این حکایت ها از زمانی در گذشته شروع می شود و تا زمان معینی ادامه می یابد. تلخیص و کوتاه کردن یکی دیگر از نشانه های کمینه گرایی در حکایت هاست «تلخیص در اصطلاح به معنای خلاصه کردن زمان ، رویداد ، عمل ، سرگذشت یا حالتی و بیان آن در جمله های اندک است به طوری که خواننده از طریق راوی و زبان او با داستان آشنا می شود» (ایرانی، ۱۳۶۴ : ۸۰). و هجویری از این شیوه در بسیاری از حکایت ها بهره برده است.

### استفاده از زبان ساده در حکایت ها و پرهیز از عبارت پردازی

زبان ساده یکی از ویژگی های داستان های کمینه گرایست و این ویژگی یکی از مهمترین خصوصیات کشف المحبوب است. زبان حکایتها های هجویری ، نسبت به موضوع کتاب ساده تر است و به کار بردن واژه های ساده و شفاف و استفاده از کلمه ها در معنای حقیقی آن ها و دوری از زبان مجازی و استعاری موجب شده است که خواننده بتوانند با سرعت بیشتری حوادث را مجسم کند. به کار بردن جمله های کوتاه از دیگر دلایل ساده و روان بودن زبان هجویری است. به طوری کلی کتاب کشف المحبوب به عنوان یک نثر مرسل یا ساده در زبان فارسی شناخته شده است و این خصوصیت دقیقاً منطبق بر ویژگی سبک مینیمال یا کمینه گرایست.

### کم بودن تعداد شخصیت ها

تعداد شخصیت هایی که در یک داستان به ایفای نقش می پردازند ارتباط مستقیم با حجم آن داستان دارد یکی از ویژگی های داستان های مینی مالیست کم بودن تعداد شخصیت هاست چون اصولاً در این گونه داستان ها زمان و مجالی برای پرداختن به شخصیت های زیاد وجود ندارد. این ویژگی را می توان در داستان های کشف المحبوب مشاهده کرد اغلب حکایت های این کتاب دارای دو یا سه شخصیت هستند در بسیاری از داستان ها یک شخصیت محور اصلی است و موضوع اصلی داستان حول این محور می چرخد. حکایت های کشف المحبوب را می توان شخصیت محور دانست اما شخصیت ها در هر حکایت متنوع نیستند و بیشتر مشایخ صوفیه و بزرگان عرفان شخصیت اول داستانک ها هستند به طوری که تعداد شخصیت ها در حکایت های کشف المحبوب همچون داستان های کمینه گرای معاصر بسیار اندک هستند و اگر بیش از یک شخصیت در این داستان ها حضور داشته باشند ، نقش مهمی ندارند و محوریت داستان بر شخصیت اصلی است و این ویژگی را می توان یکی دیگر از دلایل کوتاهی و ایجاز در حکایت ها دانست.

**انتخاب طرح ساده برای حکایت‌ها**

طرح یا پیرنگ «چهارچوب اصلی تشکیل دهنده داستان است که بیشتر بر روابط علت و معلولی تکیه دارد» (مستور، ۱۳۹۱: ۱۳). پیرنگ هر داستان مناسب با حجم آن ساده یا پیچیده خواهد بود در داستان‌های بسیار کوتاه مینیمال طرح ساده است اما طرح رمان یا داستان بلند پیچیده است داستان‌های کوتاه آغاز و پایانی نزدیک به هم دارند و به همین دلیل بسیاری از عناصر طرح یک داستان بلند مانند گره افکنی، تعلیق، بحران، گره گشایی و ... در آنها وجود ندارد. داستان‌های کوتاه باید قصه‌ای جذاب داشته باشند تا بتوانند خواننده را با خود همراه کنند. حکایت‌های کشف المحبوب مانند داستان‌های کمینه گرای معاصر واقعی واقعی اندکی دارند که معمولاً لحظه مهمی از زندگی یک شخصیت است.

حکایت‌های هجویری به طور کلی طرحی ساده دارند و با توجه به موقعیت برخی عناصر پیرنگ در آن‌ها دیده می‌شود. نبودن تمام عناصر یک پیرنگ و طرح کامل باعث ضعیف شدن اثر می‌شود اما در عین حال می‌تواند خواننده‌ای را که زمان کافی یا حوصله‌ای زیاد ندارد را با خود همراه کند و نیز خوانندگان دقیق را برای کشف ناگفته‌های داستان تشویق نماید. هجویری در حکایت‌های کشف المحبوب به فراخور موضوع و شرایط هر حکایت از طرح بهره برده و از این رو حکایتش را خواندنی تر کرده است.

**بیان روایی (روایت)**

«روایت را مجموعه‌ای از کنش‌هایی دانسته اند که در زمان و مکان مربوط به گذشته روی داده و با گزینش راوی، در نظامی هدفمند جمع آوری شده است» (تلان، ۱۳۸۳: ۱۸). بیان روایی و روایت داستان از ویژگی‌های داستان‌های مینیمال است و این ویژگی را هجویری به زیبایی در حکایت‌های خود به کار برده است. روایت‌های هجویری از زمانی در گذشته شروع می‌شود و تا زمان معینی ادامه می‌یابد هجویری در بیان روایت‌ها از سه ابزار نشان دادن، نقل کردن و توصیف بهره برده است. او با نشان دادن اعمال و رفتار و گفتار شخصیت‌ها مخاطب را وارد داستان می‌کند، نقل حوادث به معنی خلاصه کردن زمان و رویدادها است این شیوه در کوتاه کردن داستان‌ها مؤثر است توصیف‌های هجویری در حکایت‌ها بسیار کوتاه است این توصیف‌ها معمولاً در ابتدای حکایت‌ها از زبان راوی بیان می‌شوند.

**زاویه دید**

از دیگر ویژگی‌های یک اثر کمینه گرا ثابت ماندن زاویه دید است «زاویه دید یا شیوه نقل داستان، موقعیت نویسنده را نسبت به روایت نشان می‌دهد و بر سایر عناصر داستان مثل شخصیت پردازی، گسترش طرح، شیوه نگارش و صحنه پردازی تأثیر می‌گذارد» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۳۸۶). تغییر نکردن زاویه دید در حکایت‌های کشف المحبوب آنها را بیش از پیش به داستان‌های مینی مال نزدیک می‌کند. به علت حجم کم داستان یا حکایت فرستی برای تغییر زاویه دید وجود ندارد هجویری حکایت‌های خود را از دو زاویه دید اول شخص و سوم شخص روایت کرده است. و این ویژگی همان‌گونه که بیان شد از مختصات سبک کمینه گرا است.

### نتیجه گیری

در بسیاری از حکایت های کشف المحبوب می توان خصوصیات سبک کمینه گرایی را مشاهده کرد. گزینش لحظه های خاص از یک حادثه ، ایجاز ، استفاده از زبان ساده و پرهیز از عبارت پردازی ، کم بودن تعداد شخصیت ها ، طرح و پیرنگ ساده از عناصری هستند که حکایت ها را به سبک مینی مالیسم نزدیک می کند. حکایت های کوتاه هجویری طرح و زبانی ساده دارند. داستان ها معمولاً حول یک شخصیت می چرخند و شیوه روایت و توصیف های کوتاه و مختصر از دیگر ویژگی های خرده حکایت های کشف المحبوب است.

### منابع و مراجع

- ایرانی، ناصر ، (۱۲۶۴)، داستان تعاریف و ابزارها ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۴۹)، سبک شناسی، مجلد دوم، امیرکبیر و پرستو، تهران.
- تولان، مایکل جی، (۱۳۸۳)، روایت در فیلم داستانی، مترجم: ابوالفضل حرّی، مجلد ۱، بنیاد سینمایی فارابی، تهران.
- گوهرین، کاوه، (۱۳۷۷)، آینده رمان و شتاب زمان، آدینه، مهر ۱۳۷۷ ، صص ۱۸-۲۰.
- مستور، مصطفی، (۱۳۹۱)، مبانی داستان کوتاه، مرکز، تهران.
- میرصادقی، جمال، (۱۳۸۵)، عناصر داستان، سخن، تهران.
- هجویری، علی بن عثمان، (۱۳۸۳)، کشف المحبوب، تصحیح محمود عابدی، سروش، تهران.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۹۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما، تهران.